

نقش سبک رهبری مربیان لیگ برتر فوتبال در پیش بینی هوش هیجانی بازیکنان

زهرا بیگمی^۱، محمد خیری^۲، حبیب هنری^۳

۱. مرکز تحقیقات پرستاری جامعه، استادیار گروه تربیت بدنی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران *

۲. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران

۳. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۸/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۲۷

چکیده

هدف از این مطالعه، شناخت نقش سبک رهبری مربیان باشگاه‌های منتخب لیگ برتر فوتبال ایران در پیش بینی هوش هیجانی بازیکنان می‌باشد. پژوهش به روش توصیفی و نمونه‌گیری به شیوه در دسترس انجام شد. جامعه آماری این پژوهش را تمامی بازیکنان پنج باشگاه منتخب لیگ برتر فوتبال (استقلال تهران، سپاهان اصفهان، تراکتورسازی تبریز، مس کرمان و مقاومت شهیدسیاسی شیراز) به تعداد ۱۰۶ نفر تشکیل دادند (نمونه آماری برابر با جامعه آماری در نظر گرفته شد). از مجموع پرسش‌نامه‌ها، ۹۱ پرسش‌نامه قابل استفاده بود که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که ارتباط مثبت و معناداری بین سبک رهبری مربیان و هوش هیجانی بازیکنان وجود دارد. بین رفتار آموزشی و تمرینی رفتار دموکراتیک مربیان با هوش هیجانی بازیکنان نیز رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد، اما بین رفتار آمرانه، رفتار حمایت اجتماعی و رفتار بازخورد مثبت مربیان با هوش هیجانی بازیکنان رابطه معناداری به دست نیامد. همچنین، از میان ابعاد خودآگاهی، خودتنظیمی، خودانگیزی، همدلی و مهارت‌های اجتماعی هوش هیجانی، سبک رهبری مربیان تنها با خودآگاهی بازیکنان رابطه معناداری را نشان داد. همچنین، تنها سبک رهبری دموکراتیک مربیان پیش‌بینی‌کننده هوش هیجانی بازیکنان بود.

واژگان کلیدی: سبک رهبری، مربی، هوش هیجانی، لیگ برتر فوتبال

مقدمه

در حال حاضر، در ورزش حرفه‌ای این حقیقت برای افراد شرکت‌کننده آشکار شده است که دیگر نمی‌توانند به روش‌های سنتی دهه‌های گذشته متکی باشند و مربیان نیز بیش از پیش دریافته‌اند که به منظور شرکت در مسابقات می‌بایست از راهبردهای علمی جدید استفاده کنند (زردشتیان و همکاران، ۱۳۸۸).

به طور معمول، تیم‌های موفق ورزشی ویژگی‌ای برجسته‌ای دارند که آن‌ها را از تیم‌های ناموفق متمایز می‌سازد و آن، مدیریت و رهبری مؤثر، فعال و شایسته است. در واقع، مهم‌ترین عامل موفقیت یک مربی این است که به ورزشکاران کمک نماید تا مهارت‌های ورزشی خود را در طیف وسیعی از وظایف - از مهارت‌های دائمی و تسلط بر مهارت‌های پایه گرفته تا آمادگی تخصصی‌تر جسمی، فنی، تاکتیکی و روانی - توسعه بخشند (بن نظرالدین^۱ و همکاران، ۲۰۰۹).

از دیدگاه مارتنز^۲، مربیان در ایفای نقش مربیگری به دنبال ایجاد شرایطی هستند که هر ورزشکار حداکثر فرصت را برای موفقیت داشته باشد و در همان حال نیز به موفقیت تیمی برسد. سبک رهبری و رفتار مربی نقش مهمی بر عملکرد و موفقیت گروه دارد (رمضانی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹). رفتار مربی که می‌بایست نقش رهبری را در تیم بر عهده بگیرد می‌تواند بر افکار، احساسات و آرزوهای افراد تحت نظارت خود اثر بگذارد. این افکار و احساسات و آرزوها موجب انگیزش و هدایت رفتار می‌گردد؛ بنابراین، سبک رهبری به عنوان یک عامل تسهیل‌کننده و برانگیزاننده افراد، به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر بازده کاری اثر می‌گذارد (بحرالعلوم، ۱۳۷۸).

به منظور دستیابی به بهبود عملکرد ورزشی ضروری است مربیان رفتارهایی را که مورد پذیرش ورزشکاران می‌باشد بروز دهند؛ لذا، توجه به فرایندهای فردی و گروهی یا نیازهای فردی ورزشکاران و تیم ضروری بوده و بخشی از کارآمدی مربی محسوب می‌شود. چلادورای^۳ (۱۹۹۰) با طرح مدل چندبعدی رهبری، رفتار مربیان را متأثر از ویژگی‌های ورزشکاران، ویژگی‌های موقعیت و ویژگی‌های رهبری می‌داند. به عقیده وی، عملکرد تیمی و رضایت‌مندی بازیکنان، پیامد رفتار مربیان می‌باشد (بن نظرالدین و همکاران، ۲۰۰۹).

در پژوهش حاضر، سبک رهبری مربیان در قالب مدل پنج بعدی سبک رهبری در ورزش چلادورای (۱۹۹۰) شامل: رفتار آموزش و تمرین^۴، حمایت اجتماعی^۵، دموکراتیک^۱، آمرانه^۲ و بازخورد مثبت^۳

-
1. Bin Nazarudin
 2. Martinez
 3. Chelladurai
 4. Training & instruction
 5. Social Support

ارزیابی گردید. در سبک آموزش و تمرین، مربی بر آموزش نقاط قوت و ضعف و بهبود مهارت های بازیکنان تأکید می کند. رفتار دموکراتیک، به اجازه مشارکت ورزشکاران در تصمیم گیری های مربوط به تعیین اهداف گروهی و روش های دستیابی به آنها اطلاق می شود. همچنین، رفتار آمرانه رفتاری است که بازیکنان هیچ گاه در تصمیم گیری ها و مسائل تیم مشارکت داده نمی شوند و می بایست - فرمان بردار دستورات مربی باشند. در رفتار حمایت اجتماعی، مربی جهت ارضای نیازهای متقابل و شخصی ورزشکاران تلاش می نماید، رابطه ای دوستانه با بازیکنان برقرار می کند، مسائل و مشکلات بازیکنان را بررسی و حل و فصل می کند و اختلافات بین اعضای تیم را برطرف می سازد. در نهایت، رفتار بازخورد مثبت یا پاداش دهی، رفتاری است که مربی از ورزشکاران تقدیر می کند و از بازی بازیکنان و همکاری آنها تعریف می نماید (چلادورای و صالح^۴، ۱۹۸۰).

از سوی دیگر، شناسایی فرایندهای روان شناختی مؤثر بر موفقیت و سازگاری، پیامدهای مهمی در روان شناسی کاربردی از جمله روان شناسی ورزش دارد. در حقیقت، توانمندی ها و شایستگی های اجتماعی و هیجانی از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت روابط اجتماعی و موفقیت در حوزه های گوناگون زندگی و شغلی به شمار می روند (بشارت، ۱۳۸۴). هوش هیجانی به عنوان مجموعه ای از توانایی ها، قابلیت ها و مهارت هایی که فرد را برای سازگاری مؤثر با محیط و کسب موفقیت در زندگی تجهیز می کند معرفی می گردد (میری و اکبری، ۱۳۸۶).

گلمن^۵ ابعاد پنج گانه هوش هیجانی را شامل: خودآگاهی، خودتنظیمی^۶، خودانگیزی^۷، همدلی و مهارت های اجتماعی تعریف نموده است (عیدی، ۱۳۸۶). پژوهش های انجام شده حاکی از وجود رابطه معنادار بین هوش هیجانی با عوامل متعددی چون عملکرد شغلی (ابویل^۸ و همکاران، ۲۰۱۱)، سلامت روانی، جسمی و اجتماعی (اکستریمرال و بروکا^۹، ۲۰۰۶)، اثربخشی گروهی (استابس کومن و ولف^{۱۰}، ۲۰۰۸)، تسهیل انسجام سازمانی (بلاتنر و باگیگالوپ^{۱۱}، ۲۰۰۷)، اثربخشی تیم و نتایج

-
1. Democratic
 2. Autocratic
 3. Positive Feedback
 4. Chelladurai & Saleh
 5. Goleman
 6. Self-Regulation
 7. Self- Motivation
 8. O'Boyle JR
 9. Extremera & Berrocal
 10. Stubbs Koman & Wolf
 11. Blattner & Bacigalupo

تیمی (پراتی^۱ و همکاران، ۲۰۰۳)، کیفیت و حل مسأله (افزور و مینوس^۲، ۲۰۰۳)، رضایت شغلی و عملکرد (وونگ و لاو^۳، ۲۰۰۳)، سازگاری عاطفی و اجتماعی (صفوی و همکاران، ۱۳۸۸) و کیفیت روابط اجتماعی (بشارت، ۱۳۸۴) می‌باشد.

علاوه‌براین، فریدمن و اسمیت^۴ (۲۰۰۸) نقش هوش هیجانی در موفقیت زندگی ورزشکاران را بررسی کرده و بیان داشتند که هوش هیجانی، پیش‌بینی‌کننده بیش از ۶۰ درصد از فاکتورهای موفقیت زندگی (سلامت عمومی و ارتباطات، اجتناب از داروها و الکل، پرخاشگری، عملکرد خوب و زندگی با کیفیت بالا) می‌باشد. پژوهش لیچ^۵ (۲۰۰۷) نیز نشان داد که افراد با هوش هیجانی بالاتر، موفقیت کاری، ارتباط شخصی قوی‌تر، هدایت مؤثر افراد و لذت‌بردن از سلامت بهتر را تجربه می‌کنند.

همچنین، کرامبی^۶ و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود در مسابقات ملی کریکت جنوب آفریقا دریافتند که هوش هیجانی افراد، پیش‌بینی‌کننده عملکرد تیمی می‌باشد. نتایج پژوهش بشارت و همکاران (۱۳۸۴) نیز حاکی از وجود ارتباط مثبت بین هوش هیجانی با موفقیت ورزشی در ورزش‌های گروهی و فردی بود، اما این متغیر تنها در ورزش‌های گروهی توانست موفقیت ورزشی را پیش‌بینی کند. کجیاف‌نژاد و همکاران (۱۳۸۹) نیز به نتایج مشابهی در مورد رابطه بین هوش هیجانی و انگیزه موفقیت ورزشی دست یافتند.

علاوه‌براین، برخی پژوهش‌ها به بررسی رابطه سبک رهبری مربیان و مؤلفه‌های اثرگذار بر عملکرد تیمی و سازمانی پرداخته‌اند. در پژوهش بن نظرالدین^۷ و همکاران (۲۰۰۹) که در ارتباط با ورزشکاران تیم‌های بسکتبال دانشگاه‌های مالزی انجام شد مشخص گردید که رفتار آموزشی - تمرینی مربیان دارای بیشترین میانگین می‌باشد و رفتار استبدادی نیز کمترین میانگین را دارد. همچنین، در این پژوهش، انسجام تیمی با رضایت‌مندی بازیکنان رابطه داشت و رابطه مثبتی نیز بین رفتار آموزشی - تمرینی، دموکراتیک، بازخورد مثبت، ملاحظات اجتماعی و رفتار استبدادی مربیان با رضایت‌مندی بازیکنان مشاهده گردید. در این پژوهش جهت تعیین سبک رهبری مربیان، مقیاس اصلاح شده رهبری در ورزش^۸ مورد استفاده قرار گرفت.

-
1. Prati
 2. Afzalur & Minors
 3. Wong & Law
 4. Freedman & Smith
 5. Leech
 6. Crombie
 7. Bin Nazarudin
 8. Revised Leadership Style Scale (RLSS)

نتایج پژوهش آلفرمن^۱ و همکاران (۲۰۰۵) نیز نشان داد که بیشترین پیش‌بینی‌کننده توسعه مهارت ورزشکاران در ورزش‌های تیمی، رفتار حمایت اجتماعی مربی و در ورزش‌های انفرادی، رفتار آموزشی - تمرینی مربیان می‌باشد. در مجموع، آن‌ها بین رفتار آموزشی تمرینی و رفتار بازخورد مثبت مربیان با توسعه مهارت‌های ورزشکاران ارتباط معناداری را به‌دست آوردند.

همچنین، جین^۲ (۲۰۰۳) در پژوهش خود با عنوان "مهارت‌های رهبری و هوش هیجانی" نشان داد که مدیریت مشارکتی، آزادگذاشتن افراد، خودآگاهی، بهبود ارتباطات و مدیریت تغییر، با سطح بالای هوش هیجانی افراد در ارتباط می‌باشد. در پژوهش مرادی و همکاران (۱۳۸۵) و رضانی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۹) نیز بین انسجام تیمی با رفتار آموزشی - تمرینی، دموکراتیک، حمایت اجتماعی و بازخورد مثبت، رابطه مثبتی وجود داشت، اما رابطه آن با رفتار استبدادی مربی منفی بود. وحدانی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در مطالعه‌ای به ارتباط مثبت و معنادار بین سبک‌های حمایت اجتماعی، بازخورد مثبت و آموزشی - تمرینی با انسجام اجتماعی و انسجام تکلیف دست یافتند. پژوهش‌های دیگر نیز بیانگر نقش سبک رهبری مربیان در ایجاد انگیزش پیشرفت، تعهد ورزشی، رضایت‌مندی ورزشکاران و عملکرد تیمی می‌باشد (نوروزی سید حسینی و همکاران، ۱۳۹۰؛ طالبی و عبدالمهدی، ۱۳۹۱).

مطالعات فوق حاکی از اهمیت نقش سازه هوش هیجانی در موفقیت‌های ورزشی و عملکرد تیمی ورزشکاران می‌باشد. ماهیت پرهیجان ورزش فوتبال آن را به یکی از رایج‌ترین و پرطرفدارترین ورزش‌ها در ایران تبدیل نموده است؛ به‌گونه‌ای که در مقایسه با سایر رشته‌ها، بیشترین تعداد ورزشکاران و تماشاگران را به‌خود اختصاص داده است. لبریزبودن ورزشگاه‌ها از تماشاچیان در دیدارهای داخلی، ملی، قاره‌ای و جهانی و برخورداری رقابت‌ها از بینندگان چند صد میلیونی پخش تلویزیونی، فوتبال را به مردمی‌ترین ورزش جهان تبدیل کرده است (رضانی نژاد و همکاران، ۱۳۸۸). بدیهی است از آن‌جاکه این ورزشکاران مجبور هستند در شرایط استرس‌زا رقابت کنند و در چنین شرایطی استرس و خشم رایج می‌باشد، مواجه‌شدن با موقعیتی که بالقوه فشارزا می‌باشد سبب خواهد شد تا فرد در واکنش به آن موقعیت دستخوش هیجان شود (مارتین^۳ و همکاران، ۲۰۰۵).

شیوع عوامل استرس‌زا نظیر داوری بد در جریان مسابقه، وجود شرایط بد محیطی، واکنش تماشاگران در طول مسابقه، تمایل به برد به قیمت دورشدن از اخلاق ورزشی، تجربه آسیب‌دیدگی، مشاهده تقلب رقیب و انتقاد مربی در جریان مسابقه، ضرورت وجود مهارت‌های مقابله‌ای مؤثر به-

1. Alfermann
2. Jean
3. Martin

منظور حفظ سلامت روانی ورزشکار و دستیابی به موفقیت ورزشی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد (کجباف نژاد و همکاران، ۱۳۸۹).

با وجود اهمیت نقش شناخته‌شده هوش هیجانی بر افزایش ضریب موفقیت‌های شخصی، اجتماعی و حرفه‌ای در مطالعات فوق و نیز تأثیری که سبک رهبری مربیان بر نگرش و رفتار پیروان دارد، علی-رغم جستجوهای مؤلفان، پژوهشی در ارتباط با این یافت نشد. براین اساس، در این پژوهش سعی بر آن شد تا ضمن بررسی سبک رهبری مربیان و هوش هیجانی بازیکنان، به این سؤال پاسخ داده شود که چه ارتباطی بین سبک رهبری مربیان و هوش هیجانی بازیکنان و نیز بین ابعاد آن‌ها وجود دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر که از نوع مطالعات توصیفی است، از جهت روابط بین متغیرها، از نوع مطالعات هم‌بستگی می‌باشد و به لحاظ هدف کاربردی است. روش جمع‌آوری اطلاعات آن نیز از نوع میدانی می‌باشد. شایان ذکر است که نمونه‌گیری در این پژوهش به روش در دسترس انجام شد. جامعه آماری پژوهش را تمامی بازیکنان پنج باشگاه منتخب لیگ برتر فوتبال (استقلال تهران، سپاهان اصفهان، تراکتورسازی تبریز، مس کرمان و مقاومت شهیدسپاسی شیراز) در فصل (۸۹ - ۱۳۸۸) به تعداد ۱۰۶ نفر تشکیل دادند. تمام بازیکنان به‌عنوان نمونه پژوهش در نظر گرفته شدند و پرسش‌نامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت. از مجموع ۹۳ پرسش‌نامه برگشتی، اطلاعات ۹۱ پرسش‌نامه قابل استفاده بود که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از پرسش‌نامه اطلاعات فردی، پرسش‌نامه استاندارد سبک رهبری در ورزش چلادورای (رهبری در ورزش^۱) جهت اندازه‌گیری سبک رهبری مربیان (از دیدگاه بازیکنان) و نیز پرسش‌نامه هوش هیجانی سیبریاشرینگ^۲ به منظور اندازه‌گیری هوش هیجانی بازیکنان استفاده شد.

۱. پرسش‌نامه اطلاعات فردی: داده‌های مربوط به سن، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات از طریق آن جمع‌آوری گردید.

۲. پرسش‌نامه مقیاس رهبری در ورزش: این پرسش‌نامه در سال (۱۹۹۰) توسط چلادوری و صالح براساس مدل چندبعدی رهبری در ورزش تهیه شد. این ابزار در قالب ۴۰ سؤال، سبک رهبری مربیان را از دیدگاه بازیکنان در پنج بعد رفتار آموزش و تمرین، آمرانه، دموکراسی، حمایت اجتماعی و بازخورد مثبت ارزیابی می‌کند. پاسخ‌ها براساس مقیاس پنج ارزشی لیکرت شامل: هرگز (یک)، به-ندرت (دو)، گاهی اوقات (سه)، اغلب (چهار) و همیشه (پنج) ارزش‌گذاری می‌شوند. ثبات درونی این

1. Leadership Scale for Sport (LSS)

2. Siberyashing

پرسش نامه در پژوهش های مختلف (۰/۷۵ و ۰/۹۱) گزارش شده است. در پژوهش حاضر، پایایی این پرسش نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ معادل (۰/۷۲) بود.

۳- پرسش نامه هوش هیجانی سیبیریا شرینگ (۱۹۹۸): این پرسش نامه دارای ۳۳ سؤال می باشد و پنج بعد (خودآگاهی، خودتنظیمی، خودانگیزی، همدلی و مهارت های اجتماعی) افراد را اندازه گیری می کند. پاسخ های آن نیز براساس مقیاس پنج ارزشی لیکرت شامل: هرگز (یک)، به ندرت (دو)، گاهی اوقات (سه)، اغلب (چهار) و همیشه (پنج) ارزش گذاری می شوند. البته، نمره گذاری در سؤالات منفی برعکس می باشد. میری و اکبری (۱۳۸۶) پایایی این پرسش نامه را (۰/۷۴) گزارش کردند. در پژوهش حاضر، پایایی این پرسش نامه با استفاده از روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ معادل (۰/۷۸) به دست آمد. همچنین، جهت استخراج نتایج داده های پژوهش از تکنیک های آمار توصیفی (میانگین، فراوانی ساده و انحراف استاندارد) استفاده شد. به منظور تعیین طبیعی بودن توزیع داده ها نیز آزمون کولموگروف - اسمیرنوف^۱ به کار رفت و بررسی ارتباط متغیرهای پژوهش توسط آزمونهای ضریب همبستگی پیرسون، اسپیرمن و رگرسیون خطی ساده صورت گرفت. عملیات آماری نیز با استفاده از نرم افزارهای اس.پی.اس.اس^۲ و اکسل^۳ نسخه ۱۷ انجام شد.

نتایج

یافته های توصیفی مربوط به آزمودنی ها نشان می دهد که میانگین سن افراد مورد مطالعه ۲۵ سال می باشد که در این میان، حداقل سن ۱۷ سال و حداکثر سن ۳۴ سال است. همچنین، ۵۷ نفر از بازیکنان مجرد بوده و ۳۴ نفر دیگر متأهل هستند. بررسی وضعیت تحصیلی نمونه پژوهش نیز حاکی از این است که ۷۲/۵ درصد از افراد دارای مدرک تحصیلی دیپلم هستند، ۱۸/۷ درصد از آنها دارای مدرک تحصیلی کاردانی می باشند، ۶/۶ درصد از آنها دارای مدرک تحصیلی کارشناسی هستند و ۲/۲ درصد نیز مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد دارند.

جدول شماره یک توصیف آماری امتیازات متغیرهای پژوهش را نشان می دهد. همان طور که ملاحظه می شود، سبک رهبری آموزشی - تمرینی با میانگین ۳/۹۳ بیشترین میانگین را دارد و سبک رهبری دموکراتیک با میانگین ۲/۵۹، کمترین میانگین را به خود اختصاص داده است.

همچنین، از میان ابعاد هوش هیجانی بازیکنان، خود انگیزی با میانگینی معادل ۳/۴۶ دارای بیشترین میانگین است و مهارت های اجتماعی با میانگین ۲/۶۰ دارای کمترین میانگین می باشد.

-
1. Kolmogorov-Smirnov Test
 2. Statistical Package for Social Science (SPSS)
 3. Excel

جدول ۱- توصیف آماری ابعاد متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
رفتار آموزشی - تمرینی	۳/۹۳	۰/۵۱	۲/۳۱	۴/۹۲
رفتار دموکراتیک	۲/۵۹	۰/۷۸	۱	۴/۴۴
رفتار آمرانه	۳/۰۴	۰/۶۲	۱/۷۵	۴/۵۰
رفتار حمایت اجتماعی	۳/۵۰	۱/۰۳	۱/۷۵	۴/۹۳
رفتار بازخورد مثبت	۳/۶۵	۰/۸۶	۱/۴۰	۱۰/۵۰
خودآگاهی	۳/۱۳	۰/۶۵	۱/۷۵	۸
خودتنظیمی	۲/۹۳	۰/۶۵	۱/۷۱	۴/۴۳
خودانگیزی	۳/۴۶	۰/۵۲	۲/۲۹	۴/۷۱
همدلی	۲/۹۷	۰/۵۵	۱/۳۳	۴/۳۳
مهارت‌های اجتماعی	۲/۶۰	۰/۷۰	۱/۴۰	۴/۶۰

ارتباط متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون‌های ضریب هم‌بستگی پیرسون و اسپیرمن و نیز رگرسیون خطی ساده تعیین گردید. لازم به ذکر است که نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف به منظور بررسی طبیعی بودن توزیع داده‌های پژوهش نشان‌دهنده این است که سطح معناداری بعد خودآگاهی هوش هیجانی ۰/۰۰۲ بوده و کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. در نتیجه، توزیع آن طبیعی نمی‌باشد. سایر متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال برخوردار هستند (جدول شماره دو).

جدول ۲- نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف جهت آزمون طبیعی بودن توزیع داده‌ها

متغیر	نمره زد	معناداری	نتیجه‌گیری
رفتار آموزشی تمرینی	۰/۶۵۳	۰/۷۸۷	طبیعی
رفتار دموکراتیک	۰/۸۰۶	۰/۵۳۵	طبیعی
رفتار آمرانه	۰/۶۷۴	۰/۷۵۴	طبیعی
رفتار حمایتی	۱/۲۷۱	۰/۰۷۹	طبیعی
رفتار بازخورد مثبت	۰/۷۱۱	۰/۶۹۴	طبیعی
سبک رهبری مربیان	۰/۵۳۵	۰/۹۳۷	طبیعی
خودآگاهی	۱/۸۲۹	۰/۰۰۲	غیرطبیعی
خودتنظیمی	۰/۹۰۷	۰/۳۸۳	طبیعی
خودانگیزی	۰/۸۳۴	۰/۴۸۹	طبیعی
همدلی	۰/۹۹۲	۰/۲۷۸	طبیعی
مهارت‌های اجتماعی	۱/۰۹۰	۰/۱۸۵	طبیعی
هوش هیجانی بازیکنان	۰/۷۱۱	۰/۶۹۳	طبیعی

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین سبک رهبری مربیان و هوش هیجانی بازیکنان باشگاه‌های منتخب لیگ برتر فوتبال ایران ارتباط معناداری وجود دارد ($P=0/01$). همچنین، ارتباط ابعاد سبک رهبری مربیان و هوش هیجانی بازیکنان نیز با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون تعیین گردید و نتایج نشان داد که بین رفتار آموزشی - تمرینی مربیان و هوش هیجانی بازیکنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P<0/05$). بین رفتار دموکراتیک مربیان و هوش هیجانی بازیکنان نیز ارتباط مثبت و معناداری به دست آمد ($P<0/0001$)، اما رابطه سایر ابعاد سبک رهبری مربیان شامل رفتار آمرانه، حمایتی و بازخورد مثبت با هوش هیجانی بازیکنان معنادار نبود ($P>0/05$). علاوه بر این، نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون در بررسی رابطه سبک رهبری مربیان و ابعاد هوش هیجانی بازیکنان نشان داد که بین سبک رهبری مربیان و خودانگیزگی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P<0/05$). شایان ذکر است که بین سبک رهبری مربیان و سایر ابعاد هوش هیجانی بازیکنان ارتباط مثبت و معناداری مشاهده نشد ($P>0/05$).

همچنین، بررسی ارتباط ابعاد سبک رهبری مربیان و ابعاد هوش هیجانی بازیکنان با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که رفتار آموزشی - تمرینی مربیان با خودتنظیمی و خودانگیزگی بازیکنان، رفتار دموکراتیک مربیان با خودتنظیمی و همدلی بازیکنان، و رفتار حمایتی و بازخورد مثبت مربیان با خودانگیزگی بازیکنان ارتباط معناداری دارد. با توجه به عدم توزیع طبیعی متغیر خودآگاهی، از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن جهت تعیین ارتباط سبک رهبری مربیان و خودآگاهی بازیکنان استفاده شد که نتایج نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار بین سبک رهبری مربیان و خودآگاهی بازیکنان بود ($P>0/05$). تنها رفتار دموکراتیک مربیان با خودآگاهی بازیکنان ارتباط معناداری داشت. ارتباطات ابعاد متغیرهای پژوهش در جدول شماره دو نشان داده شده است.

جدول ۳- ارتباط سبک رهبری مربیان و هوش هیجانی بازیکنان و ابعاد آن‌ها

متغیرها	نوع آزمون	سبک رهبری مربیان	ابعاد سبک رهبری مربیان				
			تجربتی	آموزشی	رفتار	دموکراتیک	آمرانه
هوش هیجانی بازیکنان	پیرسون	۰/۳۶۱	۰/۲۵۳	۰/۴۳۰	۰/۰۱۳	۰/۱۷۲	۰/۱۳۲
	سطح معناداری	۰/۰۱	۰/۰۳۸	۰/۰۰۰	۰/۹۲۲	۰/۱۵۱	۰/۲۶۳
خودتنظیمی	پیرسون	۰/۱۷۱	۰/۲۵۴	۰/۳۶۷	۰/۰۱۹	۰/۰۵۷	۰/۱۷۵
	سطح معناداری	۰/۲۱۶	۰/۰۲۹	۰/۰۰۱	۰/۸۸۱	۰/۶۲۵	۰/۱۱۷
خودانگیزی	پیرسون	۰/۴۱۲	۰/۳۶۴	۰/۲۰۶	۰/۰۱۸	۰/۲۶۸	۰/۳۰۹
	سطح معناداری	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۶۶	۰/۸۸۳	۰/۰۱۵	۰/۰۰۴
همدلی	پیرسون	-۰/۰۱۶	-۰/۱۱۰	۰/۲۴۰	۰/۱۲۸	۰/۱۰۴	۰/۰۹۵
	سطح معناداری	۰/۹۰۵	۰/۳۴۰	۰/۰۳۴	۰/۲۹۳	۰/۳۶۰	۰/۳۹۱
مهارت‌های اجتماعی	پیرسون	۰/۱۳۰	۰/۰۶۴	۰/۴۰۴	۰/۱۴۷	۰/۰۲۴	۰/۰۰۰
	سطح معناداری	۰/۲۰۷	۰/۵۸۰	۰/۰۰۰	۰/۲۳۰	۰/۸۳۱	۰/۹۹۸
خودآگاهی	اسپیرمن	۰/۲۳۷	۰/۱۶۷	۰/۳۲۸	۰/۰۳۴	۰/۰۲۸	۰/۰۴۱
	سطح معناداری	۰/۰۷۶	۰/۱۴۴	۰/۰۰۳	۰/۷۸۱	۰/۸۰۵	۰/۷۰۹

ابعاد هوش هیجانی بازیکنان.

علاوه بر این، نتایج حاصل از مدل رگرسیون خطی ساده نشان داد که از میان سبک‌های رهبری مربیان، تنها سبک دموکراتیک پیش‌بینی‌کننده هوش هیجانی بازیکنان می‌باشد و حدود ۱۷ درصد از تغییرات هوش هیجانی به وسیله رفتار دموکراتیک مربیان پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۴- نتایج رگرسیون خطی ساده و معناداری مدل استفاده شده

مدل	ضریب هم‌بستگی	ضریب تعیین	تغییرات اف	سطح معناداری
۱	۰/۴۰۹*	۰/۱۶۹	۹/۶۵۴	۰/۰۰۳

* پیش‌بینی‌کننده‌ها: مقادیر ثابت و متغیر دموکراتیک

جدول ۵- نتایج رگرسیون خطی ساده: پیش بینی هوش هیجانی بازیکنان براساس سبک رهبری مربیان

متغیر	ضریب رگرسیونی استاندارد		ضریب رگرسیونی استاندارد شده		سطح معناداری
	بی	خطای استاندارد	بتا	تی	
رفتار دموکراتیک	۱/۰۸۷	۰/۳۵۰	۰/۴۰۹	۳/۱۰۷	۰/۰۰۳

متغیر وابسته: هوش هیجانی بازیکنان

بحث و نتیجه گیری

تحلیل یافته‌های توصیفی پژوهش حاضر نشان داد که مربیان باشگاه‌های منتخب لیگ برتر فوتبال، بیشتر از سبک رهبری آموزشی - تمرینی استفاده می‌کنند و از سبک دموکراتیک کمتر بهره می‌برند؛ بنابراین، از دیدگاه بازیکنان حاضر در فوتبال سطح اول کشور، مربیان بیشتر به آموزش‌های تکنیکی و تاکتیکی می‌پردازند. رفتار آموزش و تمرین، رفتاری است که در آن به‌منظور بهبود بازی ورزشکاران از آموزش تکنیک‌ها بهره گرفته می‌شود. در ورزش‌های تیمی نیز به هماهنگ نمودن فعالیت‌های اعضای تیم، رفتار آموزش و تمرین گفته می‌شود. در این سبک، مربی بر آموزش نقاط قوت و ضعف و نیز بهبود مهارت‌های بازیکنان تأکید می‌کند (رمضانی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹). بنظرالدین (۲۰۰۹) در پژوهش خود در ارتباط با تیم‌های بسکتبال مالزی گزارش کرد که مربیان سبک آموزش و تمرین را بیشتر به‌کار می‌برند. در پژوهش وی سبک آمرانه کمترین کاربرد را داشت که این امر با نتایج پژوهش حاضر هم‌سو نمی‌باشد. همچنین، در پژوهش وحدانی (۱۳۹۱) در ارتباط با تیم‌های منتخب ورزشی دانش‌آموزی، پژوهش رضانی نژاد (۱۳۸۹) در مورد لیگ برتر فوتبال و نیز پژوهش مرادی (۱۳۸۵) در ارتباط با تیم‌های بسکتبال، رفتار آموزشی - تمرینی بالاترین میانگین را دارا بود. این نتایج نشان می‌دهد که سبک آموزشی - تمرینی در سطوح سنی و رشته‌های مختلف برای دستیابی به نتایج مطلوب تیمی و افزایش کارایی مورد توجه مربیان می‌باشد؛ از این رو و به دلیل اهمیت برخورداری بازیکنان از مهارت‌های روانی و هوش هیجانی بالا در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا یا شرایط پیش‌بینی نشده در مسابقات، به‌نظر می‌رسد مربیان حاضر در لیگ برتر می‌بایست برنامه‌های مدونی جهت آموزش مؤلفه‌های هوش هیجانی در قالب سایر برنامه‌های آموزشی تمرینی خود داشته باشند.

همچنین، یافته‌ها ارتباط معناداری را بین رفتار آموزشی - تمرینی مربیان و هوش هیجانی بازیکنان و دو بعد خودتنظیمی و خودانگیزی را نشان داد. همان‌طور که ذکر گردید، در رفتار آموزشی و تمرینی مربی به‌دنبال هماهنگ نمودن فعالیت‌های اعضای تیم از طریق آموزش تکنیک‌های رفتاری می‌باشد. مربیان با اتخاذ رفتار آموزشی و تمرینی می‌توانند به بازیکنان آموزش دهند که در شرایط

پرفشار مسابقات با حفظ آرامش و خویشتن‌داری و نیز تنظیم هیجانات نامناسبی که می‌تواند عواقب ناگواری را برای تیم به دنبال داشته باشد، به نتایج بهتری دست یابند. مطالعات متعدد نشان داده است که هرچه افراد تجارب خود را بهتر تحلیل، توصیف و طبقه‌بندی کنند و نسبت به پیامدهای افکار، هیجانات و اعمال خود آگاهی بیشتری داشته باشند، از سلامت روانی بیشتری برخوردار خواهند بود (سلطانی فر، ۱۳۸۶).

درحقیقت، آگاه‌بودن از عواطف و احساسات خود به‌صورت عمیق و استفاده مناسب از آن برای تصمیم‌گیری‌های به‌موقع می‌تواند در مقابله با شرایط دشوار روانی کمک‌کننده باشد. خودتنظیمی نیز به مفهوم توانایی اداره‌کردن احساسات می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که بتوان بر کاری که انجام می‌شود کنترل داشت. افرادی که توانایی مدیریت هیجان‌های خود را دارند می‌توانند به نحو مناسبی بین هیجانات، هماهنگی ایجاد نموده و با بهره‌گیری از توانمندی‌های شناختی خود، به حفظ آرامش خویش کمک نمایند.

به‌عقیده باقری و زارعی (۱۳۸۴)، اکثر پژوهش‌های انجام‌شده نظیر پژوهش چلادورای (۱۹۸۰)، مؤید تناسب سبک رهبری وظیفه‌مدار در لیگ‌های حرفه‌ای است و سبک رهبری رابطه‌مدار با توجه به ناسازگاری با مقتضیات رقابت‌های ورزشی پیشرفته، متناسب با لیگ حرفه‌ای فوتبال نمی‌باشد (باقری و زارعی متین، ۱۳۸۴).

اگر سبک رهبری آموزشی تمرینی را به‌لحاظ تأکیدی که بر آموزش وظایف بازیکنان دارد هم‌راستا با سبک وظیفه‌مدار تلقی کنیم، بالابودن رفتار آموزشی - تمرینی مربیان در پژوهش اخیر را می‌توان متناسب با فوتبال سطح اول کشور دانست و مثبت ارزیابی کرد.

ازسوی‌دیگر نتایج نشان داد که از میان سبک‌های رهبری مربیان، تنها سبک دموکراتیک، پیش-بینی‌کننده هوش هیجانی می‌باشد. این درحالی است که چنان‌که ملاحظه شد، کاربرد این سبک توسط مربیان تیم‌های منتخب لیگ برتر درمقایسه با سایر سبک‌ها در حداقل می‌باشد. کمتربودن رفتارهای دموکراتیک مربیان بیانگر آن است که آن‌ها کمتر به بازیکنان اجازه شرکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تعیین اهداف گروهی و روش‌های دستیابی به اهداف و اتخاذ راهبرد مناسب برای مسابقات را می‌دهند. به‌نظر می‌رسد توجه به ماهیت و شرایط رشته فوتبال و سطحی که مربیان لیگ در آن فعالیت می‌کنند باعث شده است که این مربیان مسائل آموزشی، تکنیکی و تاکتیکی بازیکنان را در اولویت قرار دهند و شاید به‌دلیل حساسیت ویژه کار و نتایج در لیگ حرفه‌ای کشور است که از رفتارهای دموکراتیک و مشارکت بازیکنان در روند تصمیم‌گیری مربوط به تیم فاصله می‌گیرند.

از دیگر نتایج پژوهش اخیر، وجود رابطه معنادار بین رفتار دموکراتیک مربیان و هوش هیجانی بازیکنان و مؤلفه‌های خودآگاهی، خودانگیزی و همدلی می‌باشد. این یافته با نتایج پژوهش جین (۲۰۰۳) که در آن عنوان شده بود مدیریت مشارکتی، آزادگذاشتن افراد و بهبود ارتباطات با سطوح بالای هوش هیجانی در ارتباط می‌باشد همخوانی دارد. مربیان با اتخاذ فرایند تصمیم‌گیری دموکراتیک و کسب درون‌داده‌ها از هریک از افراد گروه می‌توانند در موقعیت‌های نامعلوم، زمینه طرح عقاید تازه را فراهم نموده و مشارکت را احیا سازند. در نتیجه، می‌توان انتظار داشت همکاری و هم‌فکری افراد و ارتباطات مثبت، به افزایش بعد همدلی هوش هیجانی کمک نماید.

عنوان شده است که خودانگیزی شرط رسیدن به هدف می‌باشد. مربیان می‌توانند با فراهم‌نمودن زمینه مشارکت افراد در فرایندهای گروهی، خودآگاهی و خودانگیزی بازیکنان خود را تقویت نموده و در نتیجه، دستیابی به اهداف تیمی را تسهیل سازند.

در پرتو خودآگاهی، علاوه بر افزایش احتمال شناخت صحیح و واقع‌بینانه هیجان‌ها (معناها و موقعیت‌ها)، قدرت پیش‌بینی و تسلط بازیکنان افزایش می‌یابد و راهبردهای مقابله مؤثرتری در مواجهه با موقعیت‌های پراسترس به کار گرفته می‌شود. براین اساس، شناخت هیجان‌ها خود با سازو-کارهای پیش‌بینی، کنترل و راهبردهای مقابله کارآمد، به افزایش موفقیت ورزشی در ورزش‌های گروهی نظیر فوتبال کمک می‌کند.

علاوه بر این، هنگامی که قدرت مدیریت (مهار) هیجان‌ها در خودتنظیمی در خدمت سازماندهی هیجان‌ها قرار گیرد، از فرایندهایی که در سایه مدیریت ضعیف به‌سادگی دچار اغتشاش و آشفتگی می‌شوند پیش‌گیری می‌شود. این مؤلفه، با پیش‌گیری و افزایش قدرت سازش می‌تواند زمینه‌های لازم برای موفقیت در ورزش گروهی فوتبال که در آن تعاملات مناسب بین بازیکنان و انسجام گروهی شرط اساسی است را فراهم سازد.

در این پژوهش بین رفتار آمرانه مربیان و هوش هیجانی بازیکنان رابطه معناداری به‌دست نیامد. به نظر می‌رسد مربیانی که بدون مشارکت‌دادن سایرین به‌تنهایی اقدام به تصمیم‌گیری درباره شیوه‌های تمرین و اتخاذ راهبرد مناسب در مسابقات و مسائل مربوط به تیم می‌کنند، در درازمدت با از بین رفتن عواطف و هیجان‌ها و در نتیجه، نابودی خلاقیت و تولید در گروه مواجه می‌شوند و قادر به بهره‌بردن از سرمایه‌های انسانی خود؛ یعنی بازیکنان نخواهند بود. سازه هوش هیجانی بیش از ویژگی‌های شخصی، از خصیصه‌های بین شخصی و اجتماعی تشکیل شده است. درحقیقت، عاطفه‌ها در قالب روابط بین فردی شکل می‌گیرند، سازماندهی می‌شوند، متحول می‌گردند و استمرار می‌یابند. به‌نظر می‌رسد مربیان با اتخاذ رفتارهای آمرانه، مانع از شکل‌گیری این عواطف در راستای کنش‌های

گروهی ورزشی مانند فوتبال خواهند شد. نبود ارتباط معنادار فوق را می‌توان در این قالب تبیین کرد.

علاوه‌براین، نتایج نشان داد که بین رفتار حمایت اجتماعی مربیان و هوش هیجانی بازیکنان ارتباط معناداری وجود ندارد. در رفتار حمایت اجتماعی، مربی به‌منظور ارضای نیازهای متقابل و شخصی ورزشکاران تلاش می‌کند، با بازیکنان رابطه‌ای دوستانه برقرار می‌کند، مسائل و مشکلات بازیکنان را بررسی و حل‌وفصل می‌کند و اختلافات بین اعضای تیم را برطرف می‌سازد.

علی‌رغم یافته فوق، در بررسی ارتباط ابعاد متغیرهای پژوهش حاضر، حمایت اجتماعی مربیان با خودانگیزی بازیکنان رابطه معناداری داشت. به‌نظر می‌رسد مربیان با رفتار حمایتی خود می‌توانند بر نیازهای عاطفی و هیجانی ورزشکاران تمرکز نمایند و محیطی صمیمی را فراهم آورند تا افراد گروه بتوانند به‌راحتی ایده‌های خود را مطرح سازند و از حمایت مربی برخوردار باشند و مشوق‌های برانگیزاننده جهت حصول اهداف را از مربیان دریافت کنند.

علاوه‌براین، بر مبنای نتایج مشخص شد که ارتباط معناداری بین رفتار بازخورد مثبت مربیان و هوش هیجانی بازیکنان وجود ندارد. در مقابل، بین رفتار بازخورد مثبت مربیان و بعد خودانگیزی هوش هیجانی رابطه معناداری مشاهده شد. رفتار بازخورد مثبت یا پاداش‌دهی، رفتاری است که در آن مربی از ورزشکاران تقدیر می‌نماید و به عملکرد خوب آن‌ها پاداش می‌دهد.

به‌نظر می‌رسد اگرچه علی‌رغم جستجوی پژوهشگران، پژوهشی که کاملاً متناظر با این پژوهش باشد به‌دست نیامد، اما با این وجود، نمی‌توان از نقش سازه هوش هیجانی در جنبه‌های گوناگونی چون موفقیت‌های ورزشی و تیم‌های کاری، سلامت روانی، جسمی و اجتماعی و حل مشکلات بین شخصی و نارسایی‌های هیجانی چشم‌پوشی کرد. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهاد می‌گردد مربیان حاضر در تیم‌های حرفه‌ای فوتبال کشور با اتخاذ سبک رهبری دموکراتیک، زمینه مشارکت ورزشکاران در تصمیمات مربوط به تیم را تسهیل سازند و تلاش نمایند تا همواره، روابط درون گروهی بین بازیکنان که لازمه دو بعد همدلی و مهارت‌های اجتماعی هوش هیجانی است در سطح مناسبی برقرار باشد. علاوه‌براین، با تدوین برنامه‌های آموزشی و کاربردی در فعالیتهای روتین گروه هم‌زمان با ایفای سبک رهبری آموزش و تمرینی خود، زمینه ارتقای هوش هیجانی و موفقیت ورزشکاران در صحنه‌های ورزشی را فراهم سازند. به‌منظور آموزش و ارتقای هوش هیجانی بازیکنان می‌توان از این راه‌کارها بهره برد: ایجاد خودآگاهی در بازیکنان، افزایش انعطاف‌پذیری، تقویت قدرت انتخاب و شناخت موانع انتخاب درست، آموزش مهارت‌های برقراری ارتباط و حفظ ارتباطات میان بازیکنان تیم، مقابله با استرس و آموزش مهارت‌های حل مسأله، فراهم‌ساختن فرصت‌هایی جهت تمرین آموخته‌ها، پیش‌بینی فرصت‌های متعدد به‌منظور ارائه بازخورد، استفاده از موقعیت‌های

گروهی برای ایفای نقش و مهم ترین رفتارهای اجتماعی و آموزش آن‌ها، عنوان نمودن نیازهای اختصاصی هر بازیکن به او به صورت خصوصی و فراهم ساختن منابع حمایتی و تقویتی برای افراد در برنامه طی مرحله پیگیری.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از تمامی سرپرستان، مربیان و بازیکنان تیم‌هایی که ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند تشکر می‌شود.

منابع

1. Afzalur, R., & Minors, P. (2003). Effects of emotional intelligence on concern for quality and problem solving. *Managerial Auditing Journal*, 18(2): 150 - 5.
2. Alfermann, Do., Lee, M. J., & Würth, S. (2005). Perceived Leadership Behavior and Motivational Climate as Antecedents of Adolescent Athletes' Skill Development. *Athletic Insight. The online Journal of sport psychology*, 7(2).
3. Bagheri, G., & Zarei Matin, H. (2005), The relationship between coach's leadership style and player's burnout with presenting a model. *Management culture*, 3(10): 35-65. (Persian).
4. Bahrulolum, H., & Amirtash. A.M. (1999). The relationship between organizational culture and management style with job satisfaction of Tehran Physical Education Organization experts. PhD thesis, Tarbiat Moallem University. (Persian).
5. Besharat, M.A., Abasi, G., & Mirzakamsefidi, R. (2005). Explaining sport success in group and individual sports based on emotional intelligence, *Olympic Journal*, 13(4): 87- 97. (Persian).
6. Besharat, M.A. (2005). The effect of emotional intelligence on the quality of social relationships. *Psychological studies*, 1 (2-3), 25-38. (Persian).
7. Bin Nazarudin, M.N., Omar Fauzee, M.S., Jamalis. M., Geok, S.K., & Din, A. (2009). Coaching Leadership Styles and Athlete Satisfactions among Malaysian University Basketball Team. *Research Journal of International Studies*, 9: 4-11.
8. Blattner, J., & Bacigalupo, A. (2007). Using Emotional Intelligence to Develop Executive Leadership and Team and Organizational Development. *Consulting Psychology Journal: Practice and Research*, 59(3): 209-19.
9. Chelladurai, P., & Saleh, S. D. (1980). Dimensions of leader behavior in sports: development of a leadership scale. *Journal of Sport Psychology*, 2: 34-45.
10. Crombie, D., Lombard, C., & Noakes, T. (2009). Emotional Intelligence Scores Predict Team Sports Performance in a National Cricket Competition. *International journal of Sports Science and Coaching*. 4(2): 209-24.
11. Eidi, H. (2007). The relationship between emotional intelligence and effectiveness of Tehran physical education faculty. Master's thesis, Tehran University. (Persian).
12. Extremera, N., & Berrocal, P.F. (2006). Emotional intelligence as predictor of mental, social, and physical health in University Students. *The Spanish journal of*

psychology, 9(1): 45-51.

13. Freedman, J., & Smith, M. (2008). Emotional Intelligence for Athlete's Life success. Emotional intelligence network. Retrieved 2013; February 8, from: www.6seconds.org.
14. Jean, L. (2003). Leadership Skills & Emotional Intelligence. Centre for Creative Leadership, Retrieved 2012; July.22, from: www.ccl. Org.
15. Kajbaf Nejad, H., Ahadi, H., & Heidari, A. (2010). The relationship between mental skills, emotional intelligence and sport success in athletes of Shiraz, New findings in psychology, 5(13): 107- 25. (Persian).
16. Leech, K.K. (2007). The Relationship between Emotional Intelligence, Character, and Leadership Traits in the Members of the Texas 4-H Council. A Dissertation in Agricultural Education, Doctor of Education, Texas A&M University.
17. Martin, G.L., vause, T., & Schwartzman, L. (2005). Experimental Studies of Psychological Interventions with Athletes in Competitions Why Few?. Behavior Modification, 29(4): 616-41.
18. Miri, M. R, & Akbari, B. (2007), The relationship between emotional intelligence and school anxiety among high school students in South Khorasan. Journal of Birjand University of Medical Sciences, 14(1), 54-60. (Persian).
19. Moradi, M.R., Kuzachian, H., Ehsani, M., & Jafari, A. (2006). The relationship between coach's leadership style and player's group cohesion in basketball teams of Premier League. Move, 29:5 -16. (Persian).
20. Norouzi Seyyed Hosseini, R., Fathi, H., & Sadeghi-Boroujerdi, S. (2011). The effect of perceived coach's leadership style, sports commitment, motivation for progress and satisfaction in Judo players of Premier League. Sports Management Studies, 16: 189-206. (Persian).
21. O'Boyle JR, E., Humphery, R., Pollack, J., Hawver, T., & Story, Paul. (2011). The relation between emotional intelligence and job performance: A meta-analysis. Journal of Organizational Behavior, 32: 788-818.
22. Prati, L.M., Douglas, C., Ferris, G.R., Ammeter, A.P., & Buckley, M.R. (2003). Emotional Intelligence, Leadership Effectiveness, and team outcomes. International Journal of Organizational Analysis, 11(1): 21-40.
23. Ramezani Nejad, R., Rahmani Nia, F., & Borumand Dolagh, M. (2009). Evaluation level of aggressive behavior of Pegah football players in Iran's professional football league. sport management, 1: 101-17. (Persian).
24. Ramazani Nejad, R., Hosseini Keshtan, M., & Ehsani M. (2010). The relationship between leadership styles of coaches and Group cohesion in Iranian Premier League football teams. Olympic Journal, 18(1), 57-68. (Persian).
25. Safavi, M., Musavi Lotfi, S.M., & Lotfi, R. (2009). Evaluate the correlation between emotional intelligence and social and emotional adjustment in pre-university students in Tehran. Pajuhande, 5(14): 255-61. (Persian).
26. Soltanifar, A. (2007). Emotional intelligence. Journal of Mental Health, 9(35-36): 83-4. (Persian).
27. Stubbs Koman, E., & Wolf, S. (2008). Emotional intelligence competencies in the team and Leader: A multi - level examination of the impact of emotional intelligence on team Performance. Journal of management Development, 27(1): 55-75.

28. Talebi, N., & Abdollahi, F. (2012). The relationship between coach's leadership behavior, group cohesion and performance of women's volleyball teams in the Premier League. *Sport Management Studies*, 16: 63-78. (Persian).
29. Vahdani, M., Moharramzadeh, M., Aghaei, M., & Hussein Pour, A. (2012). The relationship between coach's leadership style and team cohesion of Urmia elected Teams of students. *Sport Management*, 14:49-65. (Persian).
30. Wong, C.S., & Law, K. (2002). The effects of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude: An exploratory stud. *The Leadership Quarterly*, 13(3): 243 –74.
31. Zardoshian, sh., Tondnevis, F., Hadavi, F., & Khabiri, M. (2009). The relationship between transformational leadership style and coaches' pragmatism with motivation to avoiding failure in Iranian Basketball Super League players. *Movement and exercise science*, 7(13), 111-25. (Persian).

استناد به مقاله

بیگمی، زهرا، خبیری، محمد، و هنری، حبیب. (۱۳۹۵). نقش سبک رهبری مربیان لیگ برتر فوتبال در پیش بینی هوش هیجانی بازیکنان. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۸ (۳۷)، ۱۸-۲۰۱.

Beigomi, Z., Khabiri, M., & Honari, H. (2016). Role of Coach's Leadership Style in Predicting Player's Emotional Intelligence. *Sport Management Studies*. 8 (37): 201-18. (Persian)

Role of Coach's Leadership Style in Predicting Player's Emotional Intelligence

Z. Beigomi¹, M. Khabiri², H. Honari³

1. Community Nursing Research Center, Associate Professor in Department of Physical Education, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran *
2. Associate Professor in Sport Management, University of Tehran, Tehran, Iran
3. Associate Professor in Sport Management, University of Allame Tabatabai, Tehran, Iran

Received date: 2013/03/17

Accepted date: 2013/10/29

Abstract

The main purpose of this study was to examine the role of coach's leadership style of elected super-league football's clubs of Iran in predicting player's emotional intelligence. The Method of this study was, descriptive and correlation type. The Subject of this Study was all of 106 Football players in 5 elected super-league football's clubs of Iran (Esteghlal Tehran, Sepahan Esfahan, Teraktorsazi Tabriz, Mess kerman, Shahid Sepasi Shiraz). 93 Questionnaires were returned and data were analyzed from 91. The Instrument included basic demographic information, Leadership Style Scale from Chelladurai and Emotional Intelligence scale from Sibeyria Shering (1998). Reliability was Compute from Alpha Cronbache. For Data analysis statistical technique (Pearson & Spearman Correlation and simple liner regression) were used. A Positive and significant Correlation was found between coach's leadership style and player's emotional intelligence. Moreover, a positive and significant correlation was found between coach's training & instructional behavior and Player emotional intelligence. Also, a positive and significant correlation was obtained between coach's democratic behavior player emotional intelligence. There were no significant correlation between coach's autocratic, social support and positive feedback behaviors and Players emotional intelligence. Moreover, A Positive and Significant Correlation were found between coach's leadership style and self-Motivation. There was no significant correlation between coach's leadership style & other dimension of emotional intelligence: self-awareness, self-regulation, empathy and social skills. Among the dimensions of coach's leadership style only democratic behavior Predicted Payers emotional intelligence.

Keywords: Leadership Style, Coach, Emotional Intelligence, Football Super League

* Corresponding Author

Email: Zahrabeigomi@yahoo.com